

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم "اسیر"

۱۲ اگست ۲۰۱۴

تبارز مجدد حکمتیار

نوشته آمیخته با درد آقای عبدالله امینی از کابل عزیز، انتشار یافته ۸ اگست ۲۰۱۴ در پورتال هر دل پسند "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" زیر عنوان "تبارز نامیمون حکمتیار"، مرا به یاد سروده ای انداخت که پنج سال قبل در برابر یک توضیح تعجب اور این شخص بوقلمون مزاج، با یکی از ژورنالیستان پاکستانی نوشته و بدست نشر سپرده شده است. این مرد خودخواه و جاه طلب که برای رسیدن به خواسته های نفسانی به هر فاجعه ای مبادرت میورزد، باز میخواهد با دو کاندید ریاست جمهوری که از خود اراده و اداره ندارند و برای حل معضله انتخاباتی شان بیگانگان فاصله پیمائی دارند، مشورل دولتسازی بدهد و خود نیز دران سهم داشته باشد. اینک همان سروده را با پیشگفتار، یک بار دیگر بطور تکرار حسن بدست نشر میسپارم.

گلبدین حکمتیار، جنگسالار حرفه ئی ضمن مصاحبه با یکی از تلویزیونهای پاکستان، در ماه نومبر سال گذشته، در برابر سؤالی گفته بود، که ما به مبارزین خود هدایت داده ایم، اگر در اثنای جنگ با دشمن، قرار باشد یک افغان تلف شود، برای جلوگیری از قتل یک افغان از کشتن ده دشمن صرف نظر شود.

شنیدن چنین حکم از کسی که در راکت پرانیهای مکرر خود به خاطر یک نفر یعنی احمد شاه مسعود، در شهرکابل بیش از شست هزار بی گناه را بقتل رسانید، امروز به غرض حمایت از یک نفر افغان از کشتن ده نفر دشمن صرف نظر میکند؟؟ این را میگویند، دروغ شاخدار که این شعر به همان مناسبت تقدیم میگردد :

فکر صلح گلبدین، باورم نمی آید
چهره را بدل کرده، نرمش عمل کرده
حرف این ستم آئین، باورم نمی آید
از شقاوت پیشین، باورم نمی آید
میدهد شعار دین، باورم نمی آید
در قطار دینداران، جلوه میفرشد هان

خصلتش چو قصابست، خون به چشم او آبست
میکشد ندای صلح؟، میتید برای صلح؟
گرچه شیوه اش جنگ است، گفته اش دگر رنگ است
ادعای او بیجاست، کز همه جهان بالاست
طینتش بود ناپاک، میزند به چشمت خاک
آیه های قرآنی، پیش او اگر خوانی
گلبدین حکمتیار، کرده بدعت بسیار
گفته ها همه تزویر، وعده ها همه تصویر
دامنش بود خـونین، باورم نمی آید
کس نمیکند تضمین، باورم نمی آید
پرعداوت است و کین، باورم نمی آید
جلوه میکند سنگین، باورم نمی آید
با کـرکتر پائین، باورم نمی آید
گـر بگویدت آمین، باورم نمی آید
زین حکایت ننگین، باورم نمی آید
کارها همه چرکین، باورم نمی آید
میکند "اسیر" اظهار، با تعجب بسیار
گلبـدین و این تمکین؟، باورم نمی آید

(م. نسیم (اسیر) - فرانکفورت، نومبر ۲۰۰۹ع)